

ضمیمه ۱

راه مجاهد

خدا با قلبی شاد و با صفا بسوی تحمل مصائب
شریه نهضت مجاهدین خلق ایران

سال اول ضمیمه ۱ - ۶۰/۸/۱۸
به ۱۵ ریال

جنگ تحمیلی بعث عراق بر ایران
به تعبیر امام مقابله تمامیت کفر
در برابر تمامیت اسلام است .

رای جلوگیری از رشد و
شکوفایی مستمر انقلاب
اسلامی در منطقه شیطان
بزرگ به دست و پا افتاد و از طریق
صدام جنایتکار به میهن اسلامی
تجاوز کرد.

رشد انقلاب اسلامی و جناح بندی در منطقه و ایران

☆ و یرگی مشترك بعث صدام با اتحاد کمپ دیوید :

- اشغالگری
- وابستگی به انحصارات نفتی
- وابستگی به انحصارات نظامی
- سو سیالسم سازشکار
- آزار و شکنجه
- ناسیونالیسم سازشکار
- ضدیت با انقلاب اسلامی
- و انقلاب فلسطین

با اعلام روز جهانی قدس و
راهپیمایی ۲۰ میلیونی
جهت آزادسازی
بیت المقدس
انقلاب اسلامی بصورت
دشمن شماره یک
صهیونیسم اشغالگر
معرفی گردید

بنام خدای شهیدان

جنگ تحمیلی بعث عراق بر ایران به تعبیر امام، مقابله تمامیت اسلام در برابر تمامیت کفر است. تقی تمامیت اسلام در ایران در بسیج برگ بر شاه، خطوط اصلی انقلاب اسلامی نظیر "نه شرقی، نه غربی"، "حکومت اسلامی"، "استقلال، آزادی، حکومت اسلامی" و "ویا صدور انقلاب و اسلام استراتژی "فتح قدس" تا بودی شناخته شده است. آنچه کمتر از سخن رفته اینکه جوهره باطل و با میت کفرچیت که صدام بعنوان با بنده نه انقلاب مظلوم ایران بوم آورده است. در این سری مقالات آن هستیم تا از یکسوار تجاع اصلی در منطقه شناخته و رابطه آنرا با رژیم کم در عراق مورد بررسی قرار دهیم زسوی دیگر رشد جریان حق در منطقه خصوصا در عراق را که با تداوم جنگ ش از پیش با انقلاب اسلامی پیوند خورد بشناسیم. از طرف دیگر انقلاب لاسی در طی چند ماهه ای که از آغاز ک گذشته، با موضعگیریهای عمدتاً رضانه بعضی از گروههای سیاسی بر روبرو بوده است. گروههایی که در با نیه ها و روزنامه های خویش علت لی وقوع جنگ را ندانم کاریهای ب حاکم خوانده و آن را باعث هرچه

کوچکتر شدن سفره زحمتکشان میدانند گروههایی که معتقدند هر که با مذاکره مخالفت کند، انحصار طلب و مرتجع است. گروههایی که رژیم عراق را که دیکتاتور میدانند و لیبی و ابستگی آشکار آنرا نفی میکنند و ابستگی را بعنوان ویژگی اصلی و بارز رژیم صدام میدانند. این گروهها با چنین دیدگاههایی در مورد جنگ ایران و عراق و ماهیت صدام قادر به مبارزه با رژیم عراق نبوده و به خط "سازش و نه جنگ" افتاده یا خواهند افتاد. در برابر چنین تحلیلهایی نیاز به داشتن تحلیلی واقع گرایانه از ارتجاع منطقه منجمله از عراق و جناحهای داخلی، برای آگاهی عنا صر صا دق در این گروهها و همچنین افشای خط مشی سازشکارانه حاکم بر آنها لازم و ضروری به نظر میرسد. لذا بر آن شدم تا تحلیلی خلاصه در این خصوص ارائه بدهیم :

جریان کمپ دیوید

قرارداد داخلیانه کمپ دیوید، نمایانگر اتحاد "کارترو سادات وبگین" و معرف خط مشی امپریالیسم جهانی در منطقه خا ورمیانه است. جوهر کمپ دیوید را میتوان پذیرش موجودیت اسرائیل غاصب و صهیونیست و تداوم توسعه طلبی آن در منطقه دانست. این قرارداد حاصل وحدت و شکل و عامل

انجام دهنده بین دو جناح دموکرات و جمهوریخواه آمریکا نیز میب سددو بی جهت نیست که از کی سینجرو ریگان و بوش جمهوریخواه تا کارتر و بزرگترین دمکرات موید قرارداد هستند. اصلی ترین مقاصد امپریالیسم را از طرح ریزی این توطئه بشرح زیر میتوان خلاصه کرد :

- ۱- تبدیل مبارزه مسلحانه مردمی علیه اسرائیل به شیوه های سیاسی و دیپلماتیک در سطح جهان و خصوصا تبدیل سازمان آزادیبخش فلسطین به یک سازمان سیاسی کار به تعریف مارگارت تاچر "کمپ دیوید" به معنای آن است که فلسطینیان موجودیت اسرائیل را به رسمیت بشناسد و اسرائیل هم موجودیت فلسطین را به رسمیت بشناسد.
- ۲- این قرارداد دشوم جابجایی دشمن را تیز بدنبال خواهد داشت. به این صورت که از یکطرف اعراب بظا هر یکپارچه در مقابل اسرائیل را به جان هم بیندازند و بسیاری از نیروها را به در برده و در این بین از شکل گیری یک جبهه واحد و متحد علیه صهیونیسم جلوگیری نماید. که این خود موجب تثبیت اسرائیل در منطقه میشود از طرف دیگر ادامه کشمکشها و درگیریهای فرعی، مردم منطقه را از بسیج مقدس

ضد صهیونیستی انداخته و نسبت به مبارزه مایوس و دل سرد مینماید. این امر بطور طبیعی زمینه های پذیرش قراردادها فی در جهت صلح و سازش را فراهم میآورد. باید توجه داشت که در زمان انعقاد این قرارداد، سازمان آزادیبخش فلسطین دشمن اصلی این اتحاد بشمار میآمد ولیکن با اعلام "روز جهانی قدس" و راهپیمایی ارتش بیست میلیونی جهت آزادسازی بیت المقدس، انقلاب اسلامی بصورت دشمن شماره یک صهیونیسم اشغالگر معرفی گردید. زیرا انقلاب ایران، مکتب نجاتبخش اسلام را بعنوان ایدئولوژی راهنمای عمل بکار گرفته و میگیرد و از دل آن بشیوه های نوین مکتبی برای مبارزه با صهیونیسم دست مییابد. بسیج توده های جان به کف در یک مبارزه مسلحانه چریکی، کشف شیوه های خودکفا برای رسیدن به استقلال همه جانبه، عدم تکیه به قدرتهای بزرگ جهانی و..... از جمله این شیوه هاست که هم اکنون راهنمای عمل بسیاری از رزمندگان خصوصا رزمندگان فلسطینی قرار گرفته است. بطور کلی کمپ دیوید حاصل اتحاد "کارترو سادات وبگین" و نقطه وحدت جناحهای درونی آمریکا در جهت هدف

ما باید بر آمریکا غلبه کنیم و او را در تمام منطقه شکست دهیم «امام خمینی»

دیرینه تثبیت و توسعه صهیونیسم استثمای رگراست و به عنوان اصلیترین سدر قبال حرکت مستضعفین منطقه و خصوصاً حرکت شتابان انقلاب اسلامی ایران بحساب میآید. از این رو قرار داد کمپ دیوید را میتوان ارتجاع اصلی و جوهر طاغوت در منطقه بحساب آورد.

اگرچه کمپ دیوید ظاهراً صلح مصر و اسرائیل است اما در محتوای آن یک قرار داد دبلکه یکجریان گسترده در منطقه میباشد که رژیمهای مرتجع و نفتی از عراق و عربستان گرفته تا مغرب واردن و ۱۰۰۰ با آن سنجیت و نزدیکی دارند. از این جهت ملاک مترقی یا مرتجع بودن هر رژیم یا هر گروه و جریانی به میزان دوری یا نزدیکی آن با ویژگیهای توطئه کمپ دیوید میباشد. بدین معنی که یا دید هر رژیم یا جریانی در عمل تا چه اندازه با جوهر ارتجاع در منطقه (کمپ دیوید) درگیر شده یا با آن به سازش افتاده است. گرچه ممکن است که در ظاهراً عناصر این قرار داد (کارترو سادات و بگین) روابط نداشته و یا حتی شدیدترین شعارها را بر علیه آن مطرح نماید.

از طرف دیگر درجه ذهنی یا واقعی بودن هر تحلیلی به میزان درک عمق این توطئه و نیز اعتقاد به شعار اصیل "فتح قدس" به عنوان تنها شیوه قهرآمیز برای مقابله با کمپ دیوید خواهد بود. از این جهت شناخت جناحهای موجود در کمپ دیوید برای کشف ویژگیهای این اتحاد شوم لازم و ضروری است:

"جناح کارترو در کمپ دیوید"
الف کارترو: حضور کارترو، رئیس جمهور آمریکا در کمپ دیوید نمایانگر ویژگی خط مشی شیطان بزرگ بشر است زیرا است:

۱- انحصارات جهانی:
ویژگی اصلی امپریالیسم، انحصارات جهانی در جوه مختلف نفتی - نظامی - صنعتی بانکی و تبلیغاتی است. انحصارات جهانی همان شرکتهای فراملیتی هستند که علیرغم رقابتی که در صحنه جهانی دارند، همچون بافت منسجم و متشکلی در مقابل مستضعفین عمل میکنند. چنانکه عملکرد هماهنگ شرکتهای فراملیتی نفتی را در قبال نهضت استقلال طلبانه مرحوم دکتر مصدق دیدیم که یکپارچه از خرید نفت از ایران خودداری کردند و دولت مصدق را در منگنه قرار دادند، تحریم اقتصادی

انقلاب اسلامی، پس از تسخیر لانه جاسوسی نیز نشان میدهد که شرکتهای فراملیتی تا چه حد شکل متحد عمل میکنند که همزمان هم پولهای ایران در بانکهای جهانی بلوکه میشود، هم سلاحها و لوازم یدکی خریداری شده از سوی ایران در بنادر توقیف میگردد و هم جریانهای درستی مواد غذایی به ایران قطع میگردد. در این بین انحصارات صنعتی نیز با قطع صدور قطعات صنعتی عملیات ایران را به تعطیل میکشاند.

در سطح جهانی، عملکرد شرکت فراملیتی و کودتاچی "آی تی تی" در شیلی و شرکت "میوه" آمریکای شمالی در آرژانتین نیز نشانگر ماهیت و شیوههای انحصارات جهانی است. شکل انحصارات جهانی را در زمینه تبلیغاتی نیز به آسانسی میتوان دید که چگونه رادیوهای بیگانه بصورتی هماهنگ سعی در تضعیف و انزوای انقلاب اسلامی و رهبری سازشناپذیر آن داشته اند.

بطور کلی انحصارات جهانی را در ابعاد زیر میتوان دسته بندی کرد:
انحصارات نفتی (نظیر - کمپانیهای آرا مکو - اکس - اون - استاندار دائل کالیفرنیا - بی پی شل و ...)

انحصارات صنعتی - نظامی (نظیر، جنرال موتورز - بوئینگ آی تی تی - فورد - آی بی ام - آی اگ و ...)

انحصارات بانکی (نظیر: فرست نشنال سیتی بانک - بانک آمریکا بانک آمریکا اینترنشنال - چیس مانتان بانک)

انحصارات تبلیغاتی (نظیر: یونایتد پرس - آسوشیتد پرس - نیویورک تایمز - شبکه های تلویزیونی abc, NBC, CBS, BBC و ...)

منطق برتری نژادی:
ایدئولوژی شرکتهای فراملیتی که همان ایدئولوژی امپریالیسم آمریکاست، منطق برتری نژادی است و این همان منطق شیطان است که تسلیم مر خدا نشد و به انسان سجده نکرد. خود را برتر دانست و طاغی شد. شیطان بزرگ و طاغوت بزرگ زمانه هم همین ویژگی برتری جوئی و خود برتری بینی را دارا است. تشکیل وسیع عدهای سفید پوست نژاد پرست با عنوان "کوکلاس کلانها" در آمریکا نمونه ای از ایدئولوژی برتری نژادی در آمریکا است. سازمانی که خط مشی خود را در کشتار و آزار رساندن

به مستضعفین سیاه پوست خلاصه میکنند.
۳- آزار و شکنجه:

شیطان بزرگ برای حفظ منافع و موجودیت انحصارات جهانی، دست به تشکیل پلیس سیاسی (سیا) میزند و برای سرکوب جریانهای حق طلب و رهاشی بخش به آزار و شکنجه میپردازد. شبکه پلیس سیاسی امپریالیسم نیز فراملیتی است. چنانچه دیده ایم چه قبل از انقلاب و چه پس از پیروزی آن، سیا - موساد و ساواک بصورت یک شبکه واحد علیه نهضت اسلامی ایران وارد عمل شده اند. شیوههای مشترک آزار و شکنجه و انتقال تجربیات در سازمانهای ضد خلقی فوق موید این مدعا است.

شبکه سازمانهای امنیتی فوق از طریق مزدوران داخلی، طرح ریزی کودتاهای مختلف علیه جمهوری اسلامی و بمب گذاریها و ترور شخصیتها و کادریهای انقلاب را بعهده دارد.

۴- اشغالگری:

پلیس سیاسی بین المللی در حفظ منافع انحصارات جهانی نقش عمده ای را ایفا میکند ولی آنجا که رشد و گسترش نهضت های رهاشی بخش و انقلاب مستضعفین با لابیگرددوساواک و سیا و

انقلاب اسلامی ایران با شعار "استقلال - آزادی - حکومت اسلامی" و "نه شرقی - نه غربی حکومت اسلامی" منافع و موجودیت شرکتهای فراملیتی را بیش از همه نهضت های رهاشی بخش به خطر انداخته است. تسخیر جاسوسخانه آمریکا و افشاء جاسوسان سیا، اعدام عناصر ساواک و بقایای دربار - صادره اموال سرمایه داران وابسته - ملی کردن کارخانه های وابسته - قطع صدور نفت به آمریکا، آفریقای جنوبی و مصر، تشکیل نیروهای بسیج مردمی در جهت تحقق امر امام مبنی بر ایجاد ارتش بیست میلیونی، تصفیه سران طاغوتی ارتش و رشد جریان خط امام در آن برپاشی جهاد سازندگی و هیفت های واگذاری زمین در جهت رشد و توسعه کشاورزی و خودکفایی اقتصادی، نفس قیام در برابر نظام آموزشی وابسته برای انقلاب و تغییر بنیادی در نظام آموزشی و ... تنها نمونه های از عملکرد انقلاب اسلامی است و همین ها کافی است که انحصارات جهانی را که در تاملی وجوه مورد تهدید قرار گرفته اند، علیه انقلاب خلق مسلم در ایران بسیج نماید. اینجا است که

قرار داد کمپ دیوید، نمایانگر اتحاد کارترو سادات و بگین و معرفی خط مشی امپریالیسم جهانی در منطقه خاور میانه است. جوهر کمپ دیوید را میتوان پذیرش موجودیت اسرائیل غاصب و صهیونیست و تداوم توسعه طلبی آن در منطقه دانست.

ویژگی دیگر شیطان بزرگ که ضدیت با انقلاب اسلامی به عنوان جوهر نهضت های رهاشی بخش در منطقه، مشخص میگردد. به همین جهت است که انحصارات جهانی برای سرکوب انقلاب اسلامی ایران اقدام به تشدید تضادهای قومی و مذهبی از قبیل کرد و فارس، ترک و فارس، عرب و عجم، شیعه و سنی و ایجاد درگیری و شورش در مناطق، درگیریهای خیابانی، تضعیف نهادهای انقلاب کمک به تقویت و تثبیت نهادهای رژیم سابق، فراری دادن و پناهندادن بقایای رژیم پهلوی، تشکیل شبکه های کودتاچی، تحریم اقتصادی، حملات نظامی طیس، تثبیت مهره های لیبرال و تحقق کودتای سیاسی (کودتای خزنده) و ... نموده است.

موساد و ... از سرکوب آن عاجز گردند امپریالیسم به شیوه اشغال و تجاوز متوسل میشود. نظیر آنچه در ویتنام، السالوادور، و صحرای طیس دیده ایم.

۵- ضدیت با انقلاب فلسطین:

کارترو سادات و بگین، با برتری قرار داد کمپ دیوید تلاش پی گیر دارند تا انقلاب قهرآمیز فلسطین را به خط سیاسی کاری، مذاکره و سازش بکشاند همین نشان دهنده ترس آمریکا از انقلاب فلسطین است. ترس از مستضعفین فلسطین که مقاومت و شهادت را بر جلب نظر شاه خالد، شاه فهد و شاه حسین ترجیح میدهند. مستضعفینی که با اعتماد غذار زندانهای رژیم اشغالگر قدس، با مقاومت در تل زعترو جنوب لبنان از آلمان خونبار و مقدس فلسطین دفاع کرده اند.

۶- ضدیت با انقلاب اسلامی ایران

طرح سادات و فهد یکی است امام خمینی

۱- انحصارات جهانی در جبهه نفتی صنعتی - نظامی - بانکی و تبلیغاتی
 ۲- منطق برتری نژادی یا نژادپرستی
 ۳- آزار و شکنجه
 ۴- اشغالگری
 ۵- ضدیت با انقلاب فلسطین
 ۶- ضدیت با انقلاب اسلامی ایران
 ب- بگین - ویژگی خط مشی اسرائیل :

بگین نماینده اسرائیل در انعقاد قرارداد کمپ دیوید، نمایانگر خطوط اصلی سیاست رژیم اشغالگر قدس بشرح زیر است :

۱- برتری نژادی و اشغالگری : بانی و تشکیل اسرائیل و برپائی صهیونیسم در خاور میانه ۳۰۰۰ صهیونیست سرمایه دار سفیدپوست نژادپرست هستند که با اعتقاد به برتری قوم یهود ابتدا با خرید زمینهای متعلق به اعراب در منطقه فلسطین پایگاه بدست آورد، و آنگاه دست به غصب و تجاوز زمینهای متعلق به مستضعفین فلسطینی زدند. امپریالیسم با کمکهای مالی و نظامی به این ۳۰۰ غاصب نژادپرست اجازه داد تا حکومتی را برپا کنند که سالها در منطقه خاور میانه دست به غصب و غارت و جنایت بزنند. محافل صهیونیستی تمام یهودیان آمریکا،

جهانی در جبهه مختلف آن است. برای مثال راکفلر صهیونیست رئیس بانک "جیس مانها تان" است و در تعیین سیاست مالی امپریالیسم نقش بسیار دارد. حاکمیت صهیونیسم در انحصارات صنعتی فرانسه به میزان ۸۰٪ نیز دلیل دیگری برای مدعاست صهیونیسم در انحصارات تبلیغاتی نیز نفوذ بسیاری دارد. طوریکه از ۴۰ سال پیش سرمایه گذاری کرده و اکنون شبکه های تلویزیونی NBC متعلق به جناح بانکداران و شرکت های بیمه شبکه تلویزیونی abc (بانفوذ در جناح نفتی "سوخت")، شبکه تلویزیونی CBS (متعلق به جناح صنایع نظامی) و روزنامه های لوس آنجلس تایمز و واشنگتن پست را بدست گرفته اند.

۳- ضدیت با انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران : اسرائیل غاصب با ویژگیهای فوق، اصلی ترین دشمن انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران است. در حال حاضر هم که استراتژی "فتح قدس" از سوی امام و امت و آیت الله منتظری مطرح شده است، آمریکا و اسرائیل خوب میدانند که این انقلاب با شرق و غرب و صهیونیسم جهانی سرسازش و مذاکره ندارد. پس هم به شکل مستقیم و هم از طریق مرتجعین منطقه به تسلیح رژیم کمپ دیوید صدام و شکل مزدوران داخلی میپردازند و هم از طریق سیستم گسترده تبلیغاتی سعی میکنند انقلاب اسلامی را لوٹ نموده و به ضد انقلاب منطق بدهند.

۴- سوسیالیسم وابسته و مذهب نمائی : با توجه به آنچه گفته شد، ماهیت صهیونیسم، نفوذ در انحصارات جهانی و غصب و غارت و شکنجه و مسلح بودن به منطق برتری نژادی است. ولی آنچه که موجب شده است این ۳۰۰ نژادپرست سرمایه دار، یک کشور ۳ میلیونی را در سرزمینهای اشغالی بپا کنند، شعارهای پیچیده آنهاست. صهیونیستها با تکیه به انگیزه مذهبی یهودیان و تحریف تورات و با توجه به محدودیتهایی که یهودیان سالها متحمل شده بودند، نویدیک کشوری یهودی در قدس را به آنها دادند و اکنون با رعایت پاره ای احکام شرعی دین یهود توانسته اند، بسیاری از یهودیان مقیم اسرائیل را به تأیید شیوه های اسرائیل برسانند. علاوه بر مذهبی

نمائی، رژیم اشغالگر قدس با دارا بودن ارگان ایدئولوژیکی سوسیالیستی وابسته، یک رژیم چپ نما نیز هست. نمونه ای از این ارگان، سیستم کیبوتص است که همان شیوه کشاورزی اشتراکی است. اسرائیل با تشکیل تعاونیهای سراسری و سندیکا های کارگری ظاهر سوسیالیست و چپ نما دارد.

به این ترتیب، بگین که نماینده خط مشی اسرائیل است معرف خط مشی صهیونیست سرمایه دار سفیدپوست نژادپرست است که در انحصارات نفتی صنعتی، نظامی، بانکی، تبلیغاتی نفوذ دارد و با منطق برتری نژادی و احیای دین یهود دست به اشغال و آزار و شکنجه میزند و با این حال دارای ارگان ایدئولوژیکی صهیونیستی مستقلی هستند که از آژانس یهود و سایر انجمنهای مذهبی

ویژگی اصلی امپریالیسم، انحصارات جهانی در جبهه مختلف نفتی، نظامی، بانکی و تبلیغاتی است. انحصارات جهانی همان شرکت های فراملیتی هستند که علی رغم رقابتی که در صحنه جهانی دارند، همچون بافت منسجم و متشکل در مقابل مستضعفین عمل میکنند.

سرتاسری استفاده میکنند و بر اساس این ویژگیها با انقلاب فلسطینی و انقلاب ایران ضدیت دارند.

ج - سادات : سادات این خائن به آرمان مستضعفین معتقد به مبارزه قهرآمیز با صهیونیسم، با تأیید قرارداد دوم کمپ دیوید، برای اولین بار دروازه های صلح و سازش و مذاکره با اسرائیل را در منطقه گشود. سادات نمایانگر ویژگی خط مشی رژیم مصر بشرح زیر است :

۱- ناسیونالیسم سازشکار : سادات علی رغم شعار ناسیونالیسم عرب، در عمل به اعراب پشت کرد و بر خلاف تمامی کشورهای عربی با پیوستن به کارترو بگین، به آرمان اصیل اعراب مستضعف خیانت نمود و از دل ناسیونالیسم سادات، سازش با شیطان بزرگ و صهیونیسم جهانی درآمد. از این جهت است که ناسیونالیسم وابسته سادات با ناسیونالیسم رزمنده عرب که "عبدالناصر ضد صهیونیست" سمبل آن است، ضدیت دارد. لذا رژیم حاکم بر مصر خوبی میدانداگر با تبلیغات گسترده چهره و عملکرد ضد امپریالیستی ناصر را لوٹ نماید

بطور طبیعی تضادهای آشکار بین خط مشی سادات و ناصر، مردم را علیه وابستگی روز افزون مصر به سیخ خواهد کرد. به همین جهت در طی سالها رسانه های گروهی مصر از جمله الاهرام المصور و... شیوه های ناصر را در مصادره اموال زمین داران مصر از سال ۱۹۶۱ به بعد محکوم نموده و حکومت او را غیر قانونی نامیدند. سادات برای گسترده سازی تبلیغات ضد عبدالناصر، ناصر در مصر را بجز در موارد نظامی لغو نمود و با استفاده از این جو، حمله به ناصر در مصر و ج گرفت حمله علیه کسیکه با ملی کردن صنایع بزرگ، شرکت های صدور پنبه، بیمه و بانکها قدمهایی در جهت تحقق عدالت اجتماعی برداشته بود. کسی که در فرامینی با عنوان "قوانین ژوئیه" حق مالکیت زمین را محدود کرده و به کارگران و کارکنان حق شرکت در هیئت مدیره کارخانه ها و شرکتها را

داد و مهمتر از همه آنکه ناصر در طی ۲۰ سال برای وحدت اعراب در مبارزه با امپریالیسم کوشش کرد و مسئله فلسطین را به مبارزات ضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی ربط داد. کسی که آزادی را منوط به نفی سلطه امپریالیسم و ارتجاع داخلی دانست. سادات برای حفظ موجودیت خود، چنین چهره ای را میبایست منزوی کند. برنامہ سادات بانفی ارزش وجودی عبدالناصر آغا ز شد. سپس عناصر مترقی تصفیه شدند. اصلاحات ارضی متوقف گردید و رژیم ناصر به عنوان یک رژیم شکنجه گرا استفاده از شیوه های چون به طیب کشیدن، ناخن کشیدن و... لوٹ شد تا آنجا که دادگاه مصر اجازه داد یک فیلم پرسروصدا در مورد صحنه های شکنجه توسط سادات در زمان اطلاع دولت مصر در زمان ناصر نمایش داده شود. اینها همه برای آن بود که سادات بتواند با یک تهاجم ظاهری بخاک اسرائیل، پیمان "صلح مسلح" وابسته و قرارداد دوم و ننگین کمپ دیوید را بروی سیل خون رزمندگان فلسطینی بنا نماید.

۲- سازش با اخوان المسلمین : جریان اخوان المسلمین با

گروههایی که رژیم عراق را دیکتاتور میدانند و وابستگی آنرا نمیکنند یا وابستگی را بعنوان ویژگی اصلی و بارز رژیم صدام نمیدانند در باره مبارزه با رژیم صدام نبوده و به خط سازش و نه جنگ افتاده و یا خواهند افتاد.

اروپا و شوروی را برای تثبیت اسرائیل بدانجا گسیل داشتند.
 ۲- نفوذ در انحصارات جهانی : در طول حدود ۳۲ سال که از تولد شوم اسرائیل میگذرد، نفوذ صهیونیسم بحدی رسیده است که در خط مشی شیطان بزرگ و کشورهای اروپایی نقش تعیین کننده پیدا کرده است. طوریکه برزیل، مشا و امانیتی کارتر، غسودیک، صهیونیست متعصب و تندرو بود. در واقع ویژگی بارز اسرائیل نفوذ در انحصارات

آیت الله منتظری: ما القدس، وما ادريك ما القدس

استفاده از کمکهای مالی عربستان و پایگاه آموزشی اردن، اقدامات گسترده‌ای در جهت ضربه به دولت سوریه انجام داده است و در مدتی حدود یکماه با ۳۰۰ تروتر عادل رژیم حاکم بر این کشور را بهم ریخته است و این در حالی است که هیچ عملیاتی بر علیه مصر سا زشکار و سایر دول مرتجع عرب نظیر اردن و عربستان انجام نمیدهد. این گروه نه تنها تبلیغاتی بر علیه رژیم سادات نداشته‌اند، بلکه مطبوعات وابسته به آن در سوریه و مصر هیچ مخالفت و واکنش مشخصی در برابر با زدن سفارت اسرائیل در مصر نشان نداده‌اند. این سکوت ارتجاعی در برابر دولتهای آمریکائی منطقه در حالی است که حملات این جریان علیه سوریه که در خط مقدم جبهه قرار گرفته است قطع نمیشود.

از این جهت رژیم سادات با جریان اخوان المسلمین به سازش رسیده است و بطور تلویحی و غیر مستقیم به آن تکیه میکند. البته باید توجه داشت که خط حاکم بر اخوان المسلمین را میبایست از توده‌های صادق و نیازمند این جریان که دائماً در حال انشعاب هستند و به دنبال مبارزه بنیادی علیه کمپ دیوید میباشند، جدا دانست.

۳- حاکمیت برداشته از لشکرها و رژیم‌های ارتجاعی که بر پایه ارتجاع مذهبی است، اساس آموزش در این دانشگاه بر اصلت دمکراسی غربی و رای اکثریت میباشد. این دانشگاه با دیدگاه فوق، رژیم حاکم را اولی الامر دانسته و در طی سالها همواره وابسته به رژیم‌های حاکم بوده است. این شیوه تفکر از جمله سنخیتهای دانشگاه‌های آمریکا با امپریالیسم ریشه‌ای سازشکاری با امپریالیسم اصلت دادن به رای اکثریت است. این رویه میخواهد اصول را از خواست اکثریت بیرون آورد. حال آنکه شیوه اصلت اسلامی آن است که اصول، مستقل از ذهن و خواسته افراد جاری است و شورا، اقلیت یا اکثریت رشدیابنده مسئولیت تحقق آن اصول را بعهده دارد.

وابستگی دانشگاه‌های آمریکا به رژیم حاکم در مصر در مواضع بعضی مولوی های اهل تسنن ایران نیز دیده‌ایم که شاه را "ولی الامر" دانسته و رژیم او را تأیید میکردند.

۴- وابستگی به انحصارات نظامی - صنعتی :

رژیم سادات پس از جدائی از شوروی و تمایل به غرب بتدریج سیستم وابسته به شوروی در ارتش مصر را به سیستم آمریکائی تبدیل مینماید. قراردادهای تسلیحاتی با غرب در جهت تحقق این هدف است. تحویل ۳۵۰ فانتوم اف - ۴ و قرارداد تحویل ۴۰۰ جت اف - ۱۶ دلیلی بر وابستگی مصر به انحصارات نظامی - صنعتی است.

۵- آزار و شکنجه و اشغالگری : هر روز که از انعقاد قرارداد شوم کمپ دیوید میگذرد، عمق توطئه و سازش جناح کاپوت و سادات و بیگین مشخص تر شده و مردم مصر که روزی از طریق شرکت در فراندوم، صلح با اسرائیل و ریاست جمهوری دائمی سادات را تأیید کرده بودند، گروه گروه به مبارزه

شیوه‌های دیپلماتیک را برای حل مسئله فلسطین نفی میکنند و در نتیجه با قرارداد کمپ دیوید که شیشه عمر سادات است، تضاد بنیادی دارند. از اینجا است که می بینیم روز ۱۷ شهریور (یوم الله) با نیان قرارداد کمپ دیوید، از یک طرف با کشتار خلق مظلوم در میدان شهدا، سر خلق ایران را میبریدند و از سوی دیگر با امضای قرارداد شوم کمپ دیوید، سر خلق فلسطین را.

به این ترتیب سادات نمایانگر ویژگی خط مشی مصر بشرح زیر است : وابستگی به انحصارات نظامی - صنعتی و مالی - شناسائی موجودیت اسرائیل - ناسیونالیسم سازشکار - ضدیت با عبدالناصر - سازش با اخوان المسلمین - حاکمیت برداشته از لشکرها - ضدیت با انقلاب فلسطین - ضدیت با انقلاب اسلامی ایران .

ملاك ارتجاع و ترقی هر رژیم میزان

نزدیکی و دوری عملی آن به

قرارداد کمپ دیوید است .

علیه حکومت خائن مصر برمیخیزند. شورشهای شهری خصوصا در اسکندریه و قاهره، تظاهرات وسیع مردم بر علیه آمریکا و کمپ دیوید، حرکتهای مستمر دانشجویان مصری از جمله اعضای اتحادیه دانشجویان مسلمان که منجر به تعطیل بعضی از مراکز آموزشی از جمله دانشگاه "النسیوت" شده، حرکت روحانیت مترقی از جمله شیخ کوشوک و پذیرش رهبری امام خمینی از جانب آنان، همه همه حرکتهای مردمی بر علیه رژیم وابسته مصر را نشان میدهد. در مقابل سادات به پیروی از دو هم پیمان خود، با شیوه آزار و شکنجه و اعدام و ترور سعی دارد این نهضت را از رشد و گسترش بازدارد.

۶- ضدیت با انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران :

بر اساس ویژگیهای فوق، سادات با انقلاب فلسطین و انقلاب اسلامی ایران ضدیت دارد. زیرا این دو انقلاب رهائی بخش با مشی مسلحانه و قهرآمیز خود، هرگونه سیاسی کاری و

حال که جریان کمپ دیویدی را بعنوان اتحاد شوم سه جناح "کاپوت" (نماینده خط مشی آمریکا)، سادات (نمایانگر خط مشی مصر) و بیگین (نمایانگر خط مشی اسرائیل) معرفی کردیم و آنرا ارتجاع اصلی در منطقه شناختیم و نتیجه گرفتیم که ملاک مترقی یا مرتجع بودن هر رژیم، گروه یا جریانی به میزان دوری یا نزدیکی آن با ویژگیهای جریان کمپ دیوید میباشد بدین معنی که باید دید هر رژیم یا جریانی در عمل تا چه اندازه با جوهره ارتجاع کمپ دیویدی درگیر شده یا آنکه تا چه حد با آن به سازش افتاده است. گرچه ممکن است که در ظاهر با عناصر این قرارداد (کاپوت و سادات و بیگین) روابط نداشته و یا حتی شدیدترین شعاریها را بر علیه آنها مطرح نماید. اینک در ادامه بحث، ویژگیهای مشترک رژیم بعث عراق را با جریانی که کمپ دیوید، بررسی کرده و ماهیت کمپ دیویدی رژیم عراق را خواهیم شناخت.

ویژگی مشترک بعث عراق با کمپ دیوید خط مشی صدام: وابستگی به انحصارات نفتی - وابستگی به انحصارات نظامی - سوسیالیسم سازشکار - برتری نژادی - آزار و شکنجه - ناسیونالیسم سازشکار (ضدیت با ناصر و عبدالکریم قاسم) حمایت تلویحی از اخوان المسلمین - ضدیت با انقلاب فلسطین و ضدیت با انقلاب اسلامی ایران .

وابستگی به انحصارات نفتی : اگر به این نکته که بخش عمده درآمد عراق از فروش نفت به کشورهای امپریالیستی و شرکتهای چند ملیتی تا مین میشود توجه کنیم، می توان وابستگی صدام به کفار و دشمنان و وابستگی رژیم صدام به انحصارات نفتی را با دلایل و نمونه‌های بسیار میتوان نشان داد که در اینجا، به ذکر چند نمونه اکتفا میکنیم :

۱- سهامداران واقعی نفت عمدتاً عبارتند از: انگلیس ۴۷٪ (کمپانیهای نفتی شل و بی پی)، آمریکا ۲۳/۷۵٪ و فرانسه ۲۳/۷۵٪. درآمد تولید و صادرات نفت عراق شریکند. انگلستان علاوه بر اینکه بیشترین سهم را به خود اختصاص داده بتا زگی قرارداد جهت استخراج نفت با سردمداران خائن بعثی امضا نموده است. در عین حال ۱۷۰ مستشار آمریکائی در تاسیسات نفتی بصره مشغول بکار هستند. تمام اینها در حالی است که رژیم صدام با پزضد امپریالیستی و ضد صهیونیستی با انقلاب اسلامی درگیر شده است.

۲- یکی از برکات انقلاب اسلامی قطع صادرات نفت به شرکتها و فراملیتی بود. صدام در برابر این حرکت اصیل، برای حفظ منافع اربابان خود، صادرات نفت عراق را به میزان دو برابر افزایش داد. بطوریکه تولید نفت را به ۳/۵ میلیون بشکه در روز رسانده بود.

۳- با توجه به ماهیت نفتی رژیم صدام، اشغال بخشی از خوزستان و غرب کشور به منظور تصاحب شط العرب و حاکمیت بر آبراههای نفتی بسوده است. از طرف دیگر صدام قصد داشت با دسترسی به مخازن غنی نفت ایران، نفتی را که ایران پس از بیست و هشت روزی انقلاب، از صدور و بیرون راندن جلوه‌گری کرده بود، دوباره بسوی غرب جریان نماید.

۴- در جریان جنگ تحمیلی، به علت آنکه جریان صادرات نفت عراق با

خط سرخ انقلاب از کربلا به قدس است

اشکالات بسیاری روبرو شده، مرتجعین وابسته به حمایت از او برخاسته اند. از جمله عربستان روزانه ۸۰ میلیون دلار به عراق کمک مالی میکند. این مبلغ هنگامت از طریق فروش روزانه ۲ میلیون بشکه نفت به مشتریهای سابق عراق تهیه میگردد.

۵- در سال ۱۳۵۰ صدام با شاه ملعون بر سر ثبات قیمت نفت به مدت ۵ سال هم موضع شد و این در حالی بود که نرخ تورم کالاهای وارداتی بطور تصاعدی و به میزان ۲۵٪ افزایش یافت. ۶- رژیم صدام، کودتای آمریکایی و صهیونیستی علیه رژیم عبدالکریم قاسم را تأیید میکند. زیرا کودتای بعثیها علیه قاسم که ۹۹/۵٪ زمینهای حوزه نفتی را از کمپانیهای نفتی پس گرفته و ملی اعلام کرده بود، زمینه را برای تقویت فاشیسم متکی به انحصارات نفتی فراهم آورده بود.

۷- صدام بنا بر نقشه اربابانش عراق را به کشوری تک محصولی تبدیل نموده که تنها از طریق تولید و صدور نفت قادر به اداره امور خویش میباشد. اقتصاد عراق شدیداً متکی به درآمد نفت است و هماهنگی قبلاً گفته شد عمده درآمد عراق از فروش نفت به کشورهای امپریالیستی و شرکتیهای چندملیتی تامین میشود. زیرا از آنجا که بخش ناچیزی از تولیدات عراق را تولید ملی تشکیل میدهد، اگر زمانی امپریالیسم از عراق نفت نخواست، اقتصاد آن محکوم به شکست است.

نتیجتاً رژیم عراق برای ادامه حیات به شرکتیهای چندملیتی وابسته است. بخاطر همین وابستگی است که دیده ایم عراق هم موضع عربستان و سایر کشورهای ارتجاعی در اوپک همواره در جهت تامین منافع شرکتیهای چندملیتی، چه از طریق تأیید افزایش قیمت نفت و چه از طریق کاهش آن عمل کرده است.

۱- رژیم عراق در طول جنگ با انقلاب اسلامی، اقدام به وارد کردن سلاحها و مهمات آمریکایی از طریق بندر عقبه، کویت و مصر نموده است. از طرف دیگر افسران عراقی را برای گذراندن دوره های آموزشی تانک

آمریکایی به اردن اعزام کرده است. همچنین خلبانهای عراقی برای گذراندن دوره آموزشی فانتهوم از پایگاههای هوایی عربستان استفاده مینمایند. با توجه به این عملکردها، میتوان به خط مشی رژیم بعثی عراق پی برد. صدام خود نیز آشکارا این خط شیطانی را اعلام نموده و گفته است "ما برای حفظ شرف و حیثیتمان از آمریکا اسلحه نمیخریم".

۲- دولت عراق برای ادامه جنگ با ایران دست به خرید میراث از فرانسه زده است. این مسئله با توجه به اینکه کمپانیهای سازنده میراث در دست سرمایه داران صهیونیست است، نشان دهنده ماهیت صهیونیستی و وابستگی رژیم عراق به انحصارات نظامی میباشد.

رژیم وابسته صدام از آنجا که به شیوه کلاسیک رنجگ متکی است و به سلاح سنگین اصالت میدهد از آغاز جنگ تا کنون دستش بسوی قدرتهای شیطانی دراز بوده است.

سوسیالیسم سازشکار:

صدام با طرح شعارهای سوسیالیستی بخاطر سازش با امپریالیسم و صهیونیسم و طبقات متکبر، عملاً یک کشور سوسیالیستی سازشکار است. یعنی:

۱- با شعار "الاشتراکیه، الوحدة الحریه" به سوسیالیسم اصالت میدهد و در عین حال دست به کشتار کمونیستهای معتقد به مرام سوسیالیسم میزند، تا هرگونه مخالفتی را در برابر وابستگی عراق به امپریالیسم سرکوب نماید.

از سوی دیگر علیرغم طرح این شعاریه جای نزدیکی به بلوک سوسیالیست عملاً بصورت روزافزونی وابستگی سیاسی - نظامی به سرمایه داری غرب پیدا میکند.

به این ترتیب سوسیالیسم سازشکار عراق را میتوان با احزاب کارگر انگلیس و اسرائیل مقایسه نمود که با شعار مبارزه طبقاتی با مظهر استکبار جهانی سازش کرده اند.

۲- رژیم بعث عراق با شعار "تقسیم زمین" و "مرگ بر سرمایه دار" از شیوخ نفتی منطقه، سرمایه داران متواری ایرانی، فرماندهان فراری ارتش، فئودالهای بعثی در کردستان و ایران و... حمایت میکند. بر اساس

آنچه گفته شد سوسیالیسم عراق را میتوان در خط سوسیال دموکراسی بختیار دانست که دم از عدالت و آزادی اجتماعی میزند اما متصل به جناحهای امپریالیسم بود.

برتری قومی یا قومیت گرائی (برتری نژادی مضاعف):

رژیم بعثی عراق با شعار "العروبه و الاسلامیه" اسلام را دین عرب می شمارد و با این دیدگاه ایرانیان را غیر مسلمان و آتش پرست میخواند. از طرف دیگر نه تنها قوم عرب را برتر میداند بلکه در میان اعراب نیز قبیلای تکریتی را بهترین و بالاترین نژاد میپندارد. رژیم عراق با تز "برتری نژادی مضاعف" چه در دوزن و چه در



رابطه با ملت های دیگر دست به شیوه های وحشیانه و فاشیستی میزند و در منطقه بعنوان مظهر "فاشیسم متکی به در آمد نفت" شناخته شده است.

اشغالگری:

صدام با یکا رگیری شیوه "غضب و اشغال" که از جمله شگردهای صهیونیسم جهانی است، به خاک میهن اسلامی تجا و زکرد و با یک هجوم سراسری بسیاری از شهرها و روستاها را در جنوب و غرب ایران اشغال نمود و در عین حال ادعای حاکمیت سه جزیره راهم عنوان مینماید. همچنین دیده ایم که صدام مالکیت بر شط العرب و آبراه های نفتی این منطقه را از شرایط اصلی پایان جنگ و خروج از خاک ایران اعلام کرده است. این نمونه ها نشانه شیوه های اشغالگرانه رژیم وابسته عراق است و سنخیت آن را با رژیم اشغالگر قدس نشان میدهد.

آزار و شکنجه:

به گفته سازمانهای اسلامی عراق، رژیم وابسته بعث در این کشور تا کنون حدود ۱۰ هزار عراقی را اعدام کرده است. این جنایات تا بد آنجا رسیده که سازمان آمریکایی عفو بین الملل هم شیوه های شکنجه در

رژیم عراق با تز برتری نژادی مضاعف چه در درون و چه در رابطه با ملت های دیگر دست به شیوه های وحشیانه و فاشیستی میزند.

عراق را نظیر شلاق، باتون، شوک های الکتریکی، اجرای صحنه های دروغین اعدام و تاجا و زو... محکوم نموده است.

ناسیونالیسم سازشکار:

عبدالکریم قاسم مظهر ناسیونالیسم رزمنده عرب در عراق بود. او سلطنت وابسته را واژگون کرد و حکومت مستقلی در این کشور بوجود آورد. برای مبارزه با کمپانیهای فراملیتی نفت که در واقع تعیین کننده سیاستهای عراق بودند، ۹۹/۵٪ زمینهای حوزه نفتی این کشور را ملی اعلام کرد (قانون شماره ۸۰) علاوه بر آن با اصلاحات ارضی مبارزه بزرگی علیه فئودالیسم در جهت رونق یافتن کشاورزی و خود کفایی عراق آغاز کرد. علیرغم آنکه امپریالیسم جهانی برای انزوا و سرکوب نهضت ملی و استقلال طلب عبدالکریم قاسم توطئه های بسیاری بوجود میآورد، اما او هرگز معتقد نبود که برای حل مسائل و مقابله با توطئه های درونی باید مرزها را بست و اوضاع داخلی را اصلاح نمود، بلکه اولین رقم بودجه عراق در زمان حاکمیت او، کمکهای نظامی و مالی به انقلاب الجزایر بود.

علیرغم مواضع انقلابی قاسم بعثی ها با همکاری کمپانیهای جهانی نفت و با تکیه به ناسیونالیسم ساده اندیش کرد در عراق، توانستند علیه او کودتا کنند و به حاکمیت برسند. صدام نیز از سلاله بعثیهاست که به حمایت و پشتیبانی انحصارات جهانی به حاکمیت رسیده است.

به این ترتیب میبینیم از ناسیونالیسم رزمنده عرب، مبارزه استقلال طلبانه علیه سلطنت فئودالیسم و کمپانیهای نفتی و پیوند بین نهضت های آزادی بخش در میا یدولتی خلقهای مستضعف از ناسیونالیسم صدام و رژیم بعث عراق در طول سالها حاکمیت، چیزی جز سازش با انحصارات نفتی و پیوندهای گسترده سیاسی نظامی با شرق و غرب ندیده اند.

اکنون کار به جایی رسیده است که صدام با شعار ناسیونالیسم عرب، برای حفظ حیثیت اعراب دست به دامن شیطان بزرگ میشود. رژیم عراق شعار ناسیونالیسم عرب را حول محور سوسیالیسم سازشکار میدهد. آنچه بعنوان یک سؤال باقی میماند آنکه اگر رژیم بعث ناسیونالیسم معتقد است چرا پیوند با آمریکا و شوروی و فرانسه و... را به نزدیکی بالایی، سوریه و الجزایر و انقلاب فلسطین ترجیح میدهد، چرا در بین اعراب مشخصاً به دنبال پیوند با رژیمهایی است که به حفظ منافع کمپانیهای فراملیتی نفت تعهد داده اند؟ چرا با سراسر ایران وابسته همچون شاه حسین، ملک فهد، شیوخ عرب و... علیه خلقهای مستضعف عرب و ایرانی متحد میشود و با سلاحهای ساخت شوروی و آمریکائی توده های مستضعف عرب زبان در خوزستان را با شعار ناسیونالیسم عرب به توپ و موشک و خمپاره میزند؟

حمایت از اخوان المسلمین :

رژیم صدام از گروه اخوان المسلمین تلویحاً حمایت میکند. گروهی که شاخه اصلی آن علیه حکومت صهیونیست ناصرتوطئه کرده و دست به مبارزه مسلحانه علیه آن زده بود. جریانی که از سوی رژیم نفتی عربستان سعودی که دستش به خون استقلال طلبان ضد آمریکائی در این کشور آلوده است، تأمین میشود و بودجه میگیرد. جریانی که پایگاههای آموزشی آن در اردن مستقر است و از سوی شاه حسین آمریکائی تأمین میگردد. گروهی که عرض مدت کوتاهی حدود ۳۵۰۰ ترور در سوریه انجام داده و ضربه بزرگی به رژیمی که در صدمه جبهه علیه صهیونیسم قرار دارد، وارد آورده است. ولی هیچ اقدامی در جهت ضربه زدن به رژیمهای آمریکائی منطقه نداشته است. بدین ترتیب صدام هم دست کسانی است که سازش رژیمهای مرتجع منطقه را به فراموشی سپرده اند. این مسأله دقیقاً "خط هماهنگ رژیم بعث عراق را با جریان اخوان المسلمین نشان میدهد. یعنی دو جریانی که به جای درگیری با دشمن اصلی، به تضادهای فرعی یا انحرافی در منطقه را ادامه میزنند.

ضدیت با انقلاب فلسطین :

رژیم عراق با شعارهای ضد صهیونیستی در عمل ضدیت خویش را با وارگان مستضعف فلسطینی نمایانده است. از یکسوی عقب کشیدن نیروهای عراقی در جنگ ژوئن ۱۹۶۷ بین مصر و اسرائیل

پشت جبهه نیروهای حق طلب را خالی کرد و به شکست آنها کمک نمود و از سوی دیگر با شعارهای ضد صهیونیستی از "ابونضال" که یکی از اعضای سازمان آزادیبخش فلسطین بوده و سپس به آنان خیانت نموده است، حمایت میکند و به کسی که از سوی رزمندگان فلسطینی به اعدام محکوم شده تا مین میدهد. باین ترتیب عراق را پایگاهی برای فعالیت خائنانه به آرمغان فلسطین تبدیل کرده است. همچنین با شعار حمایت از فلسطینیها، در سازمان آزادیبخش فلسطین نفوذ کرده و بین رزمندگان قطب بندی کاذب و دودستگی بوجود میآورد و جناح بندی میکند. رژیم بعث عراق علیه رژیم شعارهای تو خالی، با بستن پیمان امنیتی با مصر و عربستان، بطور غیر مستقیم برقرار داد خائنانه کمپ دیوید مهران را تاید زده و کار را به آنجا رسانده است که برای عقد قرارداد با فرانسه تعهد مینماید که میراثهای خریداری شده از آن کشور را علیه اسرائیل بکار نگیرد.

باید پرسید که صدام چرا بجای بکارگیری ارتش عراق علیه اسرائیل نیروهای نظامی عراق که بزرگترین نیروی نظامی منطقه است را علیه انقلاب اسلامی که ابتدا با شعار "امروز ایران فردا فلسطین" و اکنون با شعار "آزادی قدس" استراتژی حمایت همه جانبه از فلسطینیها را ارائه داده، بکار گرفته است و اینکه بجای بسیاری از روحانی نماهای ساواکی یا آنان که در فکر مبارزه علیه اسرائیل نیستند، چرا در عراق عمدتاً "آیت الله منتظری" را که شعار فتح قدس و راهپیمایی بیست میلیونی بسوی آن را مطرح کرده اند، میکوبد؟ با توجه به مواضع فوق میتوان فاصله بزرگ بین شکل چپ نماستای محتوای راست و وابسته صدام را دریافت.

ضدیت با انقلاب اسلامی :

رژیم صدام برای توجیه حمله وحشیانه خود به ایران، مسئله صدور انقلاب و دخالت در امور داخلی آن کشور را بهانه قرار داده است. حال آنکه در طی سه سال مبارزات حق طلبانه امت مسلمان ایران علیه بقایای دربار و سلطنت، اعم از فرماندهان وابسته ارتش، ساواکیها، سرمایه داران وابسته، خوانین و فئودالها و... کشور عراق همیشه ما و او پناهیگاه این ضد انقلابیون بوده است. قاسملو ها و بختیارها و بسیاری دیگر از خائنین به خلق مستضعف ایران از طریق حمایت رژیم صدام از عقوبت انقلاب اسلامی گریخته و جان سالم بدر برده اند

و در واقع رژیم عراق است که در امور داخلی ایران دخالت کرده و میکند باین ترتیب تمام همه جانبه قدرتهای شیطان از طریق رژیم وابسته عراق بخاطر سرکوب و خفه کردن این نهضت در منطقه بوده است. رژیم عراق با تشکل و تجهیز واحدهای خرابکاری جهت بمب گذاری خصوصاً در منطقه خوزستان و انفجار لوله های که جریان نفت را به درون ایران هدایت میکرد ضدیت خود را با انقلاب اسلامی نشان داده بود. در واقع آنچه که اکنون بصورت تجا و مستقیم آشکار به خاک اسلام درآمده است، گوشه ای از نقشه های شیطان آمریکادرن منطقه جهت سرکوبی هر نهضت استقلال طلب و آزادی بخش است و برآستی که در جریان این جنگ حق و باطل، دست آمریکا از آستین صدام درآمده و رزمندگان عاشق و شهادت طلب ایرانی را به خاک و خون میکشد.

جریان رفورمیست

این جناح که متشکل از هواداران - حزب بعث سوریه است، مرکب از چندین حزب و گروه میباشند از معروفترین آنها حزب کمونیست عراق، اتحادیه ملی کردستان و حزب متحد سوسیالیست عراق را میتوان نام برد که با عنوان "جبهه دمکراتیک ملی و اتحاد عربی" به رهبری محمد عبدالجبار و جلال طالبانی، شورای انقلابی عراق را تشکیل داده اند. این جناح شاخه ای از حزب بعث است و بیشترین پایگاه آن در بین افسران، دهقانان و کارگران میباشند. این جریان بعلت تمایل به حزب بعث سوریه با جناح دیگر حزب بعث عراق در تضاد است.

"جبهه دمکراتیک ملی عراق"، با توجه به بافت درونی و ائتلاف نیروهای ملی، کردهای عراق و کمونیستها نمیتوانند همپا و همگام جریان انقلاب اسلامی در عراق پیش رود. لیکن به دلیل اعتقاد به آرمان فلسطین و انگیزه های ضد صهیونیستی با رژیم کمپ دیویدی صدام درگیر شده است. برای شناخت بیشتر این جریان، پاره ای چند از ویژگیهای آن را مرور میکنیم

۱- مبارزه با صهیونیسم :

عمده ابزار آلات نظامی و تسلیحاتی سوریه از طریق شوروی تأمین میگردد و هواداران این حزب در عراق نیز از نظر نظامی احتیاجات خود را از همین راه تأمین میکنند. اگرچه این جناح به انحصارات نظامی امپریالیستی

وابسته نیست اما برای مبارزه، به امکانات قدرت بزرگ دیگری متکی است. وابستگی تسلیحاتی به شوروی با در نظر گرفتن اینکه شوروی موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته

جریان رفورمیست مترقی بذر لیل اینکه به انحصارات امپریالیستی وابستگی کمتری دارد، به جریان استقلال طلب نزدیک است.

دامنه حرکتیهای انقلابی این جناح را محدود میکند آیا شوروی که موجودیت اسرائیل را به رسمیت شناخته است و خواهان نابودی آن نیست، قادر است برای مبارزه با صهیونیسم، کمکهای نظامی خود را تداوم دهد؟

همین جا است که مبارزه "جناح رفورمیست مترقی عراق" علیه صهیونیسم با مشکل روبرو میگردد.

همچنین این جریان به شیوه جنگ کلاسیک و منظم اصلت میدهد اگرچه به تربیت کماندو و تشکیل گروههای نامنظم هم میپردازد و دولتی این شیوه در خدمت جنگ کلاسیک میگیرد و به آن اصلت نمیدهد. بدین لحاظ است که تاکنون به آرمان فلسطین که "مبارزه مسلحانه در از مدت خود کفایت" است دست نیافته است. و در صورت ادامه این روش و عدم تلاش برای کشف شیوه های خودکفا مبارزه بنیادی با صهیونیسم را تضعیف کرده و ما بیم داریم که چنین رفورمیسم مترقی و پیچیده ای مبارزان فلسطینی در آینده به رفورمیسم بکشاند.

۲- مبارزه با انحصارات نفتی

ومالی: از نظر وابستگی به انحصارات نفتی چون سوریه نفت ندارد، برنامه های عمرانی و وابسته به درآمد نفت نبوده و به انحصارات نفتی هم وابسته نیست. جناح طرفدار این حزب در عراق نفت این کشور را عمدتاً "در اختیار کشورهای سوسیالیستی و بلوک شرق قرار خواهند داد و به انحصارات نفتی غربی وابستگی کمتری پیدا میکنند. از آنجا که حزب بعث سوریه از دلار و لیره های نفت بهره ای ندارد لذا ذخیره های نفتی در بانکهای غربی نیز ندارد و بدین لحاظ وابستگی چندانی به انحصارات مالی ندارد یعنی های

جناح استقلال طلب را در عراق توده های طرفدار اصول و شیوه های انقلاب اسلامی تشکیل میدهند . همان مردمی که در سال ۳۷ ، رژیم سلطنتی ملک فیصل را سرنگون کردند . و همان مردمی که به رهبری مرحوم قاسم مواضع درخشانی علیه کمپانیهای نفت و صهیونیسم اتخاذ کردند و کمپانیهای

شایانی به انقلاب الجزایر نمودند .

طرفدار این حزب در عراق نیز وابستگی کمتری به این انحصارات دارند . و از این جهت به جریان اصیل انقلاب اسلامی نزدیکیهایی دارند .

۳- ناسیونالیسم

حزب بعث سوریه از ناسیونالیسم رزمنده عرب حمایت میکند . تشکیل جبهه پایداری از کشورهای لیبی ، سوریه ، الجزایر یمن جنوبی و فلسطین در جهت همین خط مشی بوده است . جناح بعثی های طرفدار این حزب در عراق هم از ناسیونالیسم رزمنده عرب دفاع میکند و بطور کلی سوسیالیسم و ناسیونالیسمی که این جناح مطرح مینماید بدلیل اینکه به انحصارات امپریالیستی وابستگی کمتری دارد به جریان استقلال طلب نزدیک است .

بر اساس آنچه گفته شد ، سوریه میخواهد این جناح بعثی بجای صدام حاکمیت عراق را بدست گیرد . لیکن با توجه به ویژگیهای فوق ، اگر چه وابستگی این جناح از صدام کمتر است ، اما تا زمانی که رمز سعادت را در "استقلال همه جانبه مکتبی" از طریق تکیه به توده های مستضعف و نیاز مند نداند ، قادر به پیوند بنیادی با جوهر انقلاب اسلامی نیست .

جریان استقلال طلب

جناح استقلال طلب را در عراق توده های طرفدار اصول و شیوه های انقلاب اسلامی تشکیل میدهند . همان مردمی که در سال ۳۷ ، رژیم سلطنتی ملک فیصل را سرنگون کردند . و همان مردمی که به رهبری مرحوم قاسم مواضع درخشانی علیه کمپانیهای نفت و صهیونیسم اتخاذ کردند و کمپانیهای شایانی به انقلاب الجزایر نمودند و این توده های استقلال طلب بعضی بصورت پراکنده و عده ای بصورت متشکل عمل میکنند . اگر چه گروه های انقلابی در عراق نقش اصلی را بعهده ندارند لیکن حرکت های آنها در رشد و گسترش خط امام در منطقه و خصوصا در عراق نقش بسزائی دارد . رزمندگان استقلال طلب عراق همچون انقلابیون ایرانی بخوبی درک کرده اند که رهبری هر انقلاب جوهر و عامل اصلی پیروزی آن است . لذا در طول مبارزاتشان بخصوص با شروع جنگ ایران و عراق ، همواره پیام های امام را از جان و دل پذیرفته و راهنمای عمل خود قرار

داده اند . هنگامیکه امام برای مردم عراق پیام فرستادند که با ضربه زدن به رژیم صدام از طریق عدم پرداخت بهای آب و برق ، فرار سربازان عراقی از پادگانها ، تشکیل شورای انقلاب برای هماهنگی در شیوه های مبارزاتی انفجار مراکز دولتی و غیره و اساقط کند ، مردم و گروه های رزمنده طوسی پیام های فرمان امام را بیک گفتند . این جناح از اسلام و انقلاب اسلامی ایران الهام گرفته و ویژگیهای آن در جهت انقلاب اسلامی است . اصلی ترین شعار انقلاب اسلامی "استقلال آزادی ، جمهوری اسلامی" است که در در تمام وجوه به استقلال معتقد است و به اعتبار این جوهر به مبارزه قهرآمیز و همه جانبه با پادگانهای امپریالیسم دست زده است که به بررسی آنها میپردازیم

۱- مبارزه با انحصارات نفتی : انقلاب اسلامی با اعتقاد بیه ارزشهای مکتبی ، فروش چپا و لگرانه و بی رویه نفت را عامل مهمی در وابستگی به انحصارات جهانی یافت . در اولین فرصت قرارداد های طاغوتی در ایران را لغو و جریان نفت به آفریقای جنوبی ، اسرائیل ، مصر و فیلیپین را قطع نمود و نفت رانه یک کالای اقتصادی بلکه یک کالای سیاسی ایدئولوژیک نامید . بر اساس همین بینش بود که در مقابل پول حاضر نشد این نعمت خدا را در جهت تامین مستکبرین و سرکوب مستضعفین بفروشد و تولید و صدور آنرا بشدت کاهش داد . در واقع سیل خروشان خلق در آستانه رسیدن به استقلال ، شیر نفت را به روی استعمارگران بست و دقیقاً همین مبارزه با انحصارات نفتی است که موجب درگیر شدن صدام با انقلاب اسلامی و وحشت او از صدور آن گردیده است . چرا که صدام وابسته به کمپانیهای نفتی بین المللی است و ذخایر نفت راکه رحمت خداوند برای مستضعفین جهان است به غارت میبرد . و در عوض سلاح های سبک و سنگین را تهیه و جان برکفان و عاشقان انقلاب اسلامی را در منطقه بخاک و خون میکشاند . بر خورد

ایدئولوژیک انقلاب اسلامی ؟ ایران با مساله نفت ، از جمله شیوه هایی بود که به تمام نهضت های آزادی بخش صا در شد بطوریکه مساله اینکه "نفت را چقدر بفروشیم و مهمتر آنکه به که بفروشیم" بعنوان یک سؤال اساسی مطرح گردید و جزو محورهای اصلی انقلابات منطقه قرار گرفت . تلاش رزمندگان عراق برای بدست آوردن حقوق از دست رفته شان و خلع ید از صدامیان کافراز روی منابع و ذخایر زحمت کشان عراقی دال بر این حقیقت است ، بعنوان نمونه لوله های نفت عراق به اروپا توسط مجاهدین عراقی در تاریخ ۵۹/۷/۸ منفجر گردید (۱) .

۲- مبارزه با انحصارات نظامی : یکی از مهمترین دستاوردهای انقلاب اسلامی ایران اصلت دادن به جنگ چریکی انقلابی است . یعنی تکیه به شیوه های جوشیده از مکتب و برخاسته از نیاز اصیل جوانان جان برکف ، بدین ترتیب که در دل جنگ اسلام و کفر بسیاری از رزمندگان اسلام دریا فتند این انسان مکتبی است که نقش تعیین کننده و اول را در جبهه ها دارد و با سلاح سبک میتواند با دشمن مقابله کرد ، از چنین منطقی بود که نو جوانانی چون "حسین فهمیده" طفل ۱۲ ساله ، مظهر فداکاری و ایثار شدند

و به تعبیر امام امت رهبری جنگ را بعهده گرفتند . صدام با اینکه حمایت تمامی ابرقدرتها را بدنبال دارد و با وجود اینکه از نظر تجهیزات و تدارکات جنگی توسط اردن و مصر عربستان و کشورهای اروپای غربی تامین میشود ولی از مقابل با رزمندگان اسلام که بعد از ۹ ماه بدون اتکا به ابرقدرتی در حال مقاومت با کفر صدامی هستند ، عاجز است . چرا که ارتش کلاسیک عراق یا رای مقاومت در مقابل شیوه های مکتبی و چریکی جانبازان ما را ندارد و از درک قان نوبتدی روشهای انقلابی و خودکفای جنگ ناتوان است . چنانکه قلعه استراتژیک چغالوند که به زعم معتقدین به شیوه های کلاسیک اگر با از دست رفتن ۳۰۰۰ نیروی ایرانی نیز به تصرف در میآمد جای خشنودی بود ، از طریق تهاجم چریکی ، تنها توسط ۳ گروه ۱۳ نفری از تصرف عراقیها خارج میشود و تانک و میگ و دیگر ابزارهای شیطانی دشمن عملاً کارائی خویش را از دست میدهند . این تنها یک نمونه از درگیری مداوم دودیدگاه است . دیدگاهی که معتقد به اصلت انسان مکتبی است و در برابر آن جریان دوم که به شیوه های کلاسیک و اصلت ابزار معتقد است . جریان استقلال طلب در عراق هم همچون مبارزین انقلاب اسلامی ، شیوه کلاسیک را راهی اصولی برای مبارزه نمیداند و فروش نفت جهت خرید سلاح و وابسته شدن بسلاح سنگین و کمپانیهای اسلحه سازی را محکوم مینماید . جناح استقلال طلب در عراق هم چون انقلابیون ایران ، خواهان استقلال نظامی و بیرون راندن مستشاران نظامی از عراق است . مجاهدین عراقی در کنار رزمندگان مسلمان ایرانی چه در خاک عراق و چه در خاک ایران ، همواره با عملیات چریکی ضربات مهلکی به رژیم بعث زده اند . انقجار قطار حمل مهمات ، شرکت در عملیات تسخیر



اگر باورتان این باشد که می توانیم مستقل باشیم خواهیم توانست امام خمینی

بلندیهای جفالوند و بازی دراز و همکاری فعالانه درجبهه‌های جنوب نمونه‌هایی از این تلاشهاست. مردم معتقد به انقلاب اسلامی در عراق بطور طبیعی با شیوه جنگ چریکی پیوند زیادی دارند و برای تحقق پیام امام خمینی مبنی بر قیام علیه حکومت کفایه این شیوه‌ها متوسل شده‌اند. قیام عشایر شیعه آل حجیم در تصرف شهر سما و درگیری گسترده آنان با یک ستون نظامی ارتش عراق از این جمله است (۱) بهمین شیوه بود که مجاهدین عراق تا بحال توانسته‌اند چندین بار بندر بصره را به تصرف خود در آورده و نیروهای بعثی را قتل عام کنند.

۳- مبارزه با نژادپرستی :

انقلاب اسلامی ایران با قطع فروش نفت به رژیمهای نژادپرست وابسته آفریقای جنوبی و اسرائیل و فیلپین کینه خود را نسبت به نژاد پرستی و برتری نژادی نشان داد و همواره بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، شیطان بزرگ و عوامل درونیش سعی میکردند از اختلافات قومی و عقیدتی بین اقشار مردم ایران اعم از سنی، شیعه ترک و کرد و عرب و فارس استفاده کرده و ضربات مهلکی به پیکر انقلاب وارد نمایند در این جهت درگیریهای در مناطق کردستان و گنبدکاووس بوجود آوردند. ولی جریان انقلاب اسلامی با اصلت دادن به ارزشهای وجودی و مکتبی، انسانها و عدم توجه به خصوصیات ظاهریشان، مشت دشمنان را با زکردن امام امت مطرح کردند که در نزد ما تنها ملاک برتری انسانها تقوی و عمل صالحی است که انجام میدهد و تمامی قومیتها باید در جهت حفظ و گسترش اسلام فعال گردند. جریان حامی انقلاب اسلامی در عراق نیز مکتب را راهنمای عمل قرار داده و با اتکا به تقوی بجای نژادبا... احترام به حقوق کلیه احزاب نژادها اعم از سنی و شیعه و کرد و عرب در کادر مکتب، آرمان آنهاست.

۴- مبارزه با دموکراسی غربی :
مردم قهرمان ما با طرح شعار استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی مخالفت خود را با دیگر شیوه‌های حکومتی نظیر دموکراسی غربی (خلیفه الهی عامه مردم، اصلت رای اکثریت) سوسیالیسم نفتی صدامی و اسلام امیرفهدی و... اعلام نموده‌اند. بدین معنا که امام خمینی میگوید اگر همه مردم با کسی مثل رئیس جمهور باشند و او انقلابی نباشد من یک نفر با آنها مخالفت میکنم. مخالفت خط امام با

شیوه حکومتی لیبرالها در زمان دولت موقت نمونه‌ای از ایستادگی برای تحقق حکومت اسلامی است و نشان دهنده آنست که معیار انقلاب اسلامی برای حکومت، رای اکثریت یا اقلیت نیست مردم انقلابی عراق نیز برای پذیرش رهبری امام خمینی رای گیری نکرده‌اند بلکه با توجه به مسأله جنگ اسلام و کفر و نقش بزرگ امام در این جریان، بین تمامی مدعیان اسلام، وی را مرجع خویش شناختند و این دقیقاً ظرافت اصول اسلامی است که برای تعیین ولایت فقیه به خواسته اکثریت اصالت نداده بلکه در پی آن است که رهبری را پیدا کند که به بهترین نحوی توده‌ها را علیه دشمن عمده بسیج نماید و موجب گسترش امت واحد گردد.

۵- مبارزه با صهیونیسم :

استراتژی انقلاب اسلامی در این مقطع از تاریخ آزادی قدس و مبارزه با صهیونیسم تا نابودی اسرائیل بوده و خط سرخ پیروزی آن از کربلا به قدس است. در حال حاضر خواسته تمامی رزمندگان اسلام در صحنه‌های نبرد حق و باطل آزاد ساختن کربلاست که قدمی در جهت فتح قدس است. مردم ما بقدری ضد صهیونیست هستند که حتی بختیار مهره امپریالیسم نیز در ابتدای روی کار آمدنش جریان نفت به اسرائیل را برای جلب حمایت مردم قطع کرده بعد از پیروزی انقلاب نیز سفارت اسرائیل در ایران بسته شد و سرسپردگان صهیونیسم نظیر القانیان و هویدا، توسط دادگاه‌های انقلاب اعدام شدند. این اعدامهای انقلابی تمامی محافل صهیونیستی از جمله سنای آمریکا را به خشم در آورد اعلام روزه جهانی قدس توسط امام خمینی نیز در این جهت است و تظاهراتی که در این روز انجام میگردد بسیار با شکوه و بی شائبه به راهپیماییهای میلیونی دوران انقلاب "مرگ بر شاه" نیست. آیت الله منتظری نیز راهپیماییی همزمان با طرف قدس را مطرح کرده‌اند که از طرف مستضعفین منطقه مورد استقبال قرار گرفت و در سخنرانی خود به مناسبت روز قدس، اهمیت آزادی بیت المقدس را مورد تاکید قرار دادند و با استفاده از آیاتی از قرآن گفتند "القدس ما للقدس و ما للقدس" و اینچنین رابطه این استراتژی خونبار را با مکتب اسلام مشخص کردند. جریان حامی انقلاب اسلامی در عراق نیز دشمن اصلی خود را رژیم صدام و حامیان صهیونیستی - امپریالیستی آن میدانند، و با سرنگونی رژیم صدام مبارزه را تا نابودی رژیم اشغالگر قدس تداوم خواهد داد.

۶- صدور انقلاب و عدم اشغالگری :

پس از به ثمر رسیدن انقلاب، امام خمینی با طرح شعار صدور انقلاب و محکوم نمودن شیوه اشغالگری، به فریاد دلد مستضعفین یعنی تداوم انقلاب و صدور شیوه‌های مکتبی آن پاسخ گفتند. امپریالیسم و عوام‌ملل درونیش خیلی سعی کردند جنگ ایران و عراق را خصوصاً در آغاز آن، در نظر مردم جهان جنگ بین عرب و عجم یا سنی و شیعه یا جنگ بر سر خطوط مرزی جلوه دهند ولیکن مظلومیت دلاوران و جانبازان ما در جبهه‌های جنگ و اشغالگری و خیانت رژیم عراق بدانجا رسید که خود زبان گویائی برای تشریح فلسفه انقلاب اسلامی و صدور آن گردید. فجایی که رژیم عراق در اشغال خونین شهروند رزمیاران مناطق مسکونی حتی بیمارستان و مدرسه ببار آورد، خود نشانگر ماهیت صدامیان کافر است ولی در عوض هنگامیکه فانتومهای ما بر فراز شهرهای عراق به پرواز درآمدند بجای بمب اعلامیه‌های امام را پخش میکردند و هیچگاه بر سر مردمان عراق بمب نریختند و با تزانحرافی "موشک جواب موشک" مبارزه کردند. امام خمینی هم مرتب در نطقهایشان گفتند که هدف ما کشورگشائی یا کشتار مردم عراق نیست بلکه خواسته ما صدور انقلاب اسلامی و آزاد ساختن توده‌های تحت ستم عراق و دیگر کشورهاست. جریان استقلال طلب در عراق هم با پذیرش صدور انقلاب اسلامی با شیوه‌های صهیونیستی که صدور کودتا و اشغال نظامی است بمبارزه برخاسته است و این نشان دهنده آن است که خلقهای مستضعف ایران و عراق علی‌رغم تمامی توطئه‌ها در شیوه‌ها و اصول بسوحدت میرسند.

۷- حمایت از انقلاب فلسطین :

مردم انقلابی ما با انقلاب فلسطین پیوندایدئولوژیک و ناگسستنی دارند و این بخاطر مشترک بودن آرمان انقلاب اسلامی و آرمان خلق فلسطین است. در روز ۱۷ شهریور "کارتروسادات و بگین" که توطئه کمپ دیوید را به امضا می‌رساندند، کارت تلفنی به شاه دستور سرکوبی خلق ایران را میداد. امام خمینی چه با طرح شعار آزادی قدس و نابودی اسرائیل و چه در تبدیل سفارت اسرائیل به سفارت فلسطین، کمک به جنبش آزادیبخش فلسطین، قطع صدور نفت به اسرائیل، محکوم نمودن کمپ دیوید و قطع رابطه با مصر با وجود طلبکار بودن ۲ میلیون دلار از آن کشور و... پیوند ناگسستنی

انقلاب ایران با انقلاب فلسطین را نشان داده‌اند. اما علی‌رغم آنچه گفته شد ما معتقدیم که بزرگترین نعمت انقلاب اسلامی برای انقلاب فلسطین صدور شیوه‌های مکتبی جنگ است، اگر انقلاب ایران بتواند در موفقیات آریبی جی را در مقابل تانک به رزمندگان فلسطینی بنمایاند، بسیاری از رهبران آن نهضت بجای گشت و گذار در دربار رسران مرتجع عرب، موفقیت و پیروزی را در توسل به شیوه‌های انقلاب ایران خواهند دانست. از آنجا که قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، نهضت ضد صهیونیست عبدالناصر الگو و سمبل مبارزه خلق علیه امپریالیسم بود، رزمندگان فلسطینی نیز بطور طبیعی از شیوه‌های آن مرد آزاده تبعیت میکردند.

بعنوان نمونه جمال عبدالناصر مطرح میکرد که ما میتوانیم ۱۰۰ میلیون خلق عرب را که از مذاهب مختلف تشکیل شده‌اند مانند قبطنی، شیعه، سنی، حنفی، شافعی و نژادهای مختلف را حول محور ناسیونالیسم عرب بوحدهت برسانیم و آنها را بسیج کنیم. بعد میگفت اگر ناسیونالیسم عرب نتوانست توده‌های عرب را بسیج کند، آنوقت صدها میلیون خلق را زیر پرچم ناسیونالیسم آفریقایسیج میکنیم و اگر این شعار هم نتوانست توده‌ها را بسیج کند، آن موقع است که باید شعار ایدئولوژیک و اسلامی داد. اشتباهی که ناصرداشت این بود که اسلام را بعنوان یک راهنمای عمل در نظر نمیگرفت. بهمین ترتیب تا بحال برخوردار انقلابیون فلسطین با مکتب اسلام برخوردار شده‌ای و بنیادی نیوه است ولی دیده‌ایم که با گسترش انقلاب اسلامی در منطقه بسیاری از شیوه‌های غیر مکتبی در اردوگاههای فلسطین اخلاق غیر اسلامی، قمار بازی و غیره تعطیل شده‌اند و این از دیدگاه اسلام انقلابی، بزرگترین خیر و برکت صدور انقلاب است. چرا که نیروها را در کاناال اصلی که مبارزه خلق علیه صهیونیسم و امپریالیسم است بکار گرفته و از تلف شدن آن جلوگیری میکند. حامیان انقلاب اسلامی در عراق هم با توسل به شیوه‌های مکتبی، پیکار خود با رژیم وابسته صدام را آموزشگاهی برای عرضه اسلام راهنمای عمل قرار داده‌اند. "والسلام علی من اتبع الهدی"

- پاورقی :
- ۱- روزنامه آزادگان ۵۹/۲/۸
 - ۲- روزنامه اطلاعات ۵۹/۲/۸
 - ۳- کیهان ۵۹/۲/۲۰

شعار اصیل فتح قدس تنها شیوه قهرآمیز برای مقابله با کمپ دیوید است